

تعیین‌کننده‌های روانشناختی مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر خوی: کاربرد نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده

دکتر محتشم غفاری^۱، یوسف شری‌زاده^{۲*}، دکتر سکینه رخشنده‌رو^۳، دکتر علی رمضانخانی^۴

۱. دانشیار، مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان‌آور محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛ گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. استادیار، مرکز تحقیقات کنترل عوامل زیان‌آور محیط و کار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛ گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
۴. استاد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: مصرف غذاهای پرکالری و چرب و عدم تعادل بین انرژی دریافتی و مصرفی، احتمال ابتلای افراد به چاقی و بیماری‌های مزمن به ویژه بیماری‌های قلبی و عروقی را افزایش می‌دهد. هدف از این مطالعه، بررسی تعیین‌کننده‌های مصرف غذاهای سریع با استفاده از نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر خوی بود.

مواد و روش‌ها: مطالعه‌ی حاضر از نوع توصیفی-مقطعی بود که در بین ۱۶۰ نفر دانش‌آموز دبیرستانی انجام گردید. نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی "رفتار برنامه‌ریزی شده" با روایی و پایایی معتبر استفاده شد. این پرسشنامه شامل سه بخش الف) متغیرهای دموگرافیکی، ب) سؤالات مرتبط با سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده و ج) سؤالات رفتار بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون‌های *t-test*، ANOVA و آزمون همبستگی Pearson و برای پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار از Linear regression در سطح معنی‌داری $P < 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد ۹۸/۱ درصد از دانش‌آموزان، غذای سریع مصرف می‌کردند که از میان آنها، ۲۳/۸ درصد هفته‌ای یک‌بار و ۱۰/۶ درصد ۲ تا ۳ بار در هفته غذای سریع استفاده می‌کردند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد قصد رفتاری و اعتقادات رفتاری، قادر به پیش‌بینی ۵۴ درصد تغییرات رفتار مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان است. از بین سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، ارزشیابی پیامدهای رفتاری، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی قصد رفتاری بود که توانسته بود به همراه وضعیت اقتصادی، ۴۵ درصد تغییرات قصد رفتاری را پیش‌بینی کند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه حاکی از بالا بودن مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر خوی بود. در طراحی مداخلات آموزش تغذیه برای کاهش مصرف غذاهای سریع، بهتر است بر متغیر قصد رفتاری و اعتقادات رفتاری بیشتر توجه کرد.

واژگان کلیدی: مصرف غذاهای سریع، دانش‌آموزان، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده

لطفاً به این مقاله به صورت زیر استناد نمایید:

Ghaffari M, Sherizadeh Y, Rakhshandehroo S, Ramezankhani A. Psychological determinants of fast-food consumption among male students of Khoy city high schools: an application of the theory of planned behavior. *Pejouhandeh* 2015;20(5):266-272.

مقدمه

مثل تغییر در عادات غذایی و سطح فعالیت بدنی، سبب افزایش شیوع بیماری‌های غیر واگیر مانند بیماری‌های قلبی و عروقی و دیابت نوع ۲ و غیره در سال‌های اخیر شده است (۱-۳). این تغییرات باعث شده است که میزان استفاده از غذاهای سریع افزایش یابد و رستوران‌های غذاهای سریع از محبوبیت خاصی در بین افراد جامعه برخوردار باشند. علت

دگرگونی‌های وسیع در وضعیت اجتماعی-اقتصادی، جمعیتی، تکنولوژیکی و تغییر در سبک زندگی افراد جامعه،

*نویسنده مسؤول مکاتبات: یوسف شری‌زاده؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران؛ پست الکترونیک: yusefsherizadeh@gmail.com

درک شده به سازه‌های نظریه عمل منطقی (TRA Theory of Reasoned Action) ساخته شد. نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، از سه سازه‌ی نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده به شرح زیر تشکیل شده است:

(الف) نگرش: بازتابی از ارزیابی مثبت یا منفی فرد نسبت به آن رفتار می‌باشد.
(ب) هنجارهای انتزاعی: درک فرد از فشارهای اجتماعی ناشی از افراد مهم در انجام یا انجام ندادن رفتار است
(ج) کنترل رفتاری درک شده: درک فرد از آسانی و سختی انجام رفتار است که شامل عوامل داخلی و خارجی می‌باشد.
در این نظریه، فرد بر اساس منطق عمل می‌کند، یعنی قبل از انجام رفتاری، اطلاعات را پردازش می‌کند. قصد رفتاری، علت اصلی رفتار و قصد رفتاری، خود تحت تأثیر نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده است (۷،۳).

بنابراین با توجه به میزان مصرف بالا و روزافزون غذاهای سریع در جامعه‌ی امروزی و کشف تعیین کننده‌ها و ارایه راهکارهای لازم جهت کاهش مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان، این مطالعه با هدف مشخص کردن تعیین کننده‌های مصرف غذاهای سریع با استفاده از نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان خوی انجام شده است.

مواد و روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه‌ی مقطعی بود که روی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه با محدوده‌ی سنی ۱۵ تا ۱۷ سال در اسفند ماه سال ۱۳۹۳ در شهر خوی انجام گردید. این مطالعه بخشی از مطالعه‌ی مداخله‌ای می‌باشد. حجم نمونه‌ی لازم طبق مطالعات قلبی (۱۶) با ضریب اطمینان ۰/۹۵ و دقت ۰/۰۵ حدود ۱۶۰ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بدین صورت که ابتدا فهرست مدارس از آموزش و پرورش تهیه شد و سپس از بین ۱۹ مدرسه‌ی دولتی و ۱۱ مدرسه‌ی غیرانتفاعی، چهار مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و سپس تمام دانش‌آموزان پایه‌های دوم دبیرستان وارد مطالعه شدند.

معیارهای ورود به مطالعه شامل (۱) تحصیل در پایه‌ی دوم دبیرستان و (۲) تمایل دانش‌آموزان بود. معیار خروج از مطالعه نیز عدم تمایل و همکاری دانش‌آموزان به شرکت در مطالعه در هر یک از مراحل انجام پژوهش بود. این پژوهش، پس از کسب مجوزهای لازم از شورای پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رضایت مسؤولین آموزش و پرورش و اولیای

محبوبیت آنها این است که غذاها را خیلی راحت و با سرعت آماده کرده و تقریباً نسبت به مقدار مواد غذایی که در اختیار مشتری قرار می‌دهند، ارزان می‌باشد و این غذاها در بیشتر اوقات، مورد علاقه و دلخواه همه‌ی گروه‌های سنی است (۵،۴). غذای سریع به غذاهایی اطلاق می‌شود که سریع و به آسانی آماده شده و در رستوران‌ها و غذاخوری‌های سرپایی به عنوان یک وعده غذایی سریع به فروش می‌رسند و یا سفارش داده و در منزل مصرف می‌شوند و برای بدن مضر می‌باشند. از جمله مهم‌ترین نمونه‌های غذای سریع می‌توان به همبرگرها، پیتزا، مرغ سوخاری و غیره اشاره کرد (۷،۶). این غذاها همان‌طور که اشاره شد، غذای محبوب افراد جامعه به خصوص نوجوانان می‌باشد به طوری که در مطالعه‌ی انجام شده توسط لیزا و همکاران در سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده، مشخص گردید که روزانه ۳۳ درصد کودکان و ۴۱ درصد نوجوانان و ۳۶ درصد افراد بالغ غذای سریع می‌خورند (۸). در مطالعه‌ی انجام شده توسط غفاری و همکاران در مدارس تهران (۴) و همچنین مطالعه‌ی یارمحمدی در اصفهان (۹)، نشان داده شد که مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان مدارس، بالاست. مطالعات نشان می‌دهند که گرایش به مواد غذایی پرانرژی و کم‌ارزش از نظر غذایی از قبیل نوشیدنی‌های شیرین و غذاهای سریع، در افزایش اضافه وزن و چاقی نقش دارند (۱۰-۱۳). همچنین در مطالعه‌ی که روی افراد ۱۳ تا ۱۷ ساله شهر بوستون آمریکا انجام شد، بین اضافه وزن و چاقی و مصرف غذاهای سریع، ارتباط معنی‌داری پیدا شد (۱۴). طبق آمار مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها (CDC: Centers for Diseases Control and Prevention) در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، ۱۷٪ از کودکان و نوجوانان ۲ تا ۱۹ ساله و ۳۴٪ از بزرگسالان ۲۰ سال و بالاتر، چاق بودند (۴).

دانش‌آموزان که درصد قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می‌دهند به علت خصوصیات جسمانی، روانی و اجتماعی، بسیار آسیب‌پذیر بوده و تغذیه‌ی مطلوب، از شرایط اساسی برای حفظ سلامت آنها می‌باشد (۱۵). بنابراین با توجه به موارد گفته شده، تلاش برای تغییر رفتارهای تغذیه‌ای نوجوانان از جمله کاهش مصرف غذاهای سریع، به طور حتم می‌تواند به کاهش شیوع چاقی و سایر بیماری‌ها کمک کند (۹).

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده به عنوان یک چارچوب مناسب برای پیش‌بینی رفتارهای تغذیه‌ای مثل مصرف میوه و سبزی در دانش‌آموزان و دانشجویان به کار رفته است (۶،۵). این نظریه توسط آیزن و فیش بین با اضافه شدن کنترل رفتاری

آماري توصيفي و استنباطي شامل Independent t-test، ANOVA و آزمون همبستگی Pearson و برای پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار از Linear regression استفاده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه، ۱۶۰ نفر دانش‌آموز پسر بودند. ۳۰ درصد پدران و ۳۳/۸ درصد مادران تحصیلات دیپلم داشتند. بیشترین شغل پدران ۶۵/۶ درصد آزاد و مادران ۵۸ درصد خانه‌دار بودند. طبق آمار به‌دست آمده از وضعیت اقتصادی و درآمد خانوار، بیشتر دانش‌آموزان، ۵۳/۱ درصد وضعیت اقتصادی خانواده خود را متوسط ارزیابی کردند (جدول ۱). طبق یافته‌های این پژوهش، ۱/۹ درصد دانش‌آموزان هرگز غذای سریع نخورده بودند. ۲۷/۵ درصد به ندرت، ۱۱/۹ درصد هر ۲-۳ ماه یک‌بار، ۲۳/۸ درصد هر ماه یک‌بار، ۲۳/۸ درصد هفته‌ای یک‌بار، ۱۰/۶ درصد ۲-۳ بار در هفته و ۰/۶ درصد هر روز غذای سریع مصرف می‌کردند.

ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (جدول ۲).

مدل رگرسیون خطی نشان داد که وضعیت اقتصادی و ارزشیابی پیامدهای رفتاری، قادر به پیش‌بینی ۴۵ درصد تغییرات قصد رفتاری مصرف غذاهای سریع در دانش‌آموزان است ($R^2=0/45$, $F=28/72$, $P<0/001$). همچنین مطابق با نتایج این مطالعه، میزان پیش‌بینی‌کنندگی رفتار مصرف غذاهای سریع توسط قصد رفتاری و اعتقادات رفتاری، ۵۴٪ بود که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده آن، قصد رفتاری بود (جدول ۳).

دانش‌آموزان انجام شد. پژوهشگران با در نظر گرفتن برنامه‌ی کلاسی نمونه‌های مورد نظر و هماهنگی با مدیریت هر مدرسه، در ساعات مختلف به دبیرستان‌های مورد نظر مراجعه کردند. پس از توجیه دانش‌آموزان در خصوص انجام این مطالعه، بیان اهداف و اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات و این که در صورت لزوم نتایج حاضر در اختیار مسؤولین و دانش‌آموزان قرار خواهد گرفت، پرسشنامه‌ها جهت تکمیل به افرادی که به عنوان نمونه مشخص شدند، داده شد. زمان تکمیل هر پرسشنامه ۳۰ دقیقه بود. جمع‌آوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه‌ای که پایایی و روایی هر سه بخش آن توسط غفاری و همکاران (۴) تأیید شده، صورت گرفت. پرسشنامه‌ی مذکور شامل سه بخش بود: بخش اول: مشخصات دموگرافیک شامل سن، تحصیلات والدین، شغل والدین و وضعیت اقتصادی خانواده بود؛ بخش دوم: سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده شامل نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد رفتاری بود؛ و بخش سوم شامل رفتار بود. برای قصد رفتاری ۲ سؤال، نگرش ۲۴ سؤال، کنترل رفتاری درک شده ۱۸ سؤال و هنجارهای انتزاعی ۱۵ سؤال طراحی شد. امتیازدهی سؤالات بر اساس مقیاس لیکرت و از ۱ تا ۵ بود. حداقل نمره‌ی قصد رفتاری ۲ و حداکثر آن ۱۰، نگرش حداقل ۲۴ و حداکثر آن ۱۲۰، کنترل رفتاری درک شده حداقل ۱۸ و حداکثر آن ۹۰ و هنجارهای انتزاعی حداقل ۱۵ و حداکثر آن ۷۵ بود. برای ارزیابی رفتار، از ۱ سؤال که شامل دفعات مصرف غذاهای سریع در ۱۲ ماه سال به‌صورت هرگز، به ندرت، هر ۲-۳ ماه یک‌بار، ماهی یک‌بار، هفته‌ای یک‌بار، ۲-۳ بار در هفته و هر روز بود، استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام گرفت. در تحلیل نتایج از آزمون‌های

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک دانش‌آموزان.

بی‌سواد و نهضت	سیکل	دیپلم	لیسانس
۴۳ (۲۶/۹٪)	۳۶ (۲۲/۵٪)	۴۸ (۳۰/۱۰۰٪)	۳۳ (۲۰/۶٪)
۶۵ (۴۰/۷٪)	۴۱ (۲۵/۶٪)	۵۴ (۳۳/۸٪)	-
ضعیف	متوسط	خوب	
۱۱ (۱۱/۳٪)	۸۵ (۵۳/۱٪)	۵۷ (۳۵/۷٪)	
آزاد	سایر		
۱۰۵ (۶۵/۶۳٪)	۵۵ (۳۴/۳۷٪)		
خانهدار	شاغل		
۱۳۶ (۸۵/۱۰۰٪)	۲۴ (۱۴/۱٪)		

جدول ۲. همبستگی بین سازه‌های نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده.

متغیر	اعتقادات رفتاری	ارزشیابی پیامدهای رفتاری	باورهای ذهنی	انگیزش پیروی	باورهای کنترل	قدرت درک شده	قصد رفتاری
اعتقادات رفتاری	*R **P	۱					
ارزشیابی پیامدهای رفتاری	R P	۰/۵۶۶ ۰/۰۰۱	۱				
باورهای ذهنی	R P	۰/۵۲۰ ۰/۰۰۱	۰/۳۸۵ ۰/۰۰۱	۱			
انگیزش پیروی	R P	۰/۲۸۲ ۰/۰۰۱	۰/۲۸۸ ۰/۰۰۱	۰/۱۳۷ ۰/۰۸۶	۱		
باورهای کنترل	R P	۰/۵۸۰ ۰/۰۰۱	۰/۴۹۲ ۰/۰۰۱	۰/۴۳۱ ۰/۰۰۱	۰/۶۳۲ -	۱	
قدرت درک شده	R P	۰/۴۷۱ ۰/۰۰۱	۰/۲۸۵ ۰/۰۰۱	۰/۳۹۹ ۰/۰۰۱	۰/۲۷۶ ۰/۰۰۱	۰/۶۳۲ -	۱
قصد رفتاری	R P	۰/۲۷۸ ۰/۰۰۱	۰/۳۲۱ ۰/۰۰۱	۰/۱۹۷ ۰/۰۰۱	۰/۲۵۱ ۰/۰۰۱	۰/۳۸۲ ۰/۰۰۱	۰/۳۹۷ -

* ضریب همبستگی پیرسون، ** سطح معنی‌داری در کمتر از ۰/۰۵.

جدول ۳. مدل رگرسیون خطی سازه‌های نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده برای قصد رفتاری و رفتار مصرف غذاهای سریع.

متغیر	R ²	B	SE	BETA	P
قصد رفتاری [*]	۰/۴۵	۰/۱۴۱	۰/۰۳۲	۰/۳۳۲	۰/۰۰۱
وضعیت اقتصادی		۰/۱	۰/۰۳۳	۰/۲۲۴	۰/۰۰۳
ارزشیابی پیامد رفتاری رفتار ^{**}		۰/۳۴۲	۰/۰۵۶	۰/۴۳۰	۰/۰۰۱
قصد رفتاری	۰/۵۴	۰/۰۴۲	۰/۰۱۳	۰/۲۲۹	۰/۰۰۱
اعتقادات رفتاری					

** (R²=0.54, F=31.91, p<0.001), * (R²=0.45, F=28.72, p<0.001), SE: خطای استاندارد، BETA: ضریب تأثیر، P: سطح معنی‌داری

بحث

این مطالعه با هدف شناسایی تعیین‌کننده‌های مصرف غذاهای سریع در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر خوی انجام گرفت. براساس یافته‌های این پژوهش ۲۳/۸ درصد دانش‌آموزان عنوان کردند که هر ماه یک‌بار، ۲۳/۸ درصد هفته‌ای یک‌بار و ۰/۶ درصد روزی یک‌بار از غذاهای سریع استفاده می‌کنند. ۱/۹ درصد دانش‌آموزان نیز هرگز غذای سریع نخورده بودند.

در مطالعه‌ی انجام شده توسط یارمحمدی و همکاران در سال ۱۳۹۰ که روی دانش‌آموزان مقطع متوسطه‌ی اصفهان در خصوص غذاهای سریع انجام دادند، مشخص شد که ۲۲/۸ درصد دانش‌آموزان هر چند ماه یک‌بار، ۲۶/۳ درصد یک‌بار در

ماه و ۲۶/۹ درصد آنها، یک‌بار در هفته غذاهای سریع مصرف می‌کنند (۹). همچنین در مطالعه‌ی غفاری و همکاران در سال ۱۳۹۰ روی دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران نشان داد که ۳۶/۸ درصد دانش‌آموزان ۲ تا ۳ بار در هفته و ۱۴/۷ درصد آنها هر روز از غذاهای سریع استفاده می‌کنند (۴).

در مطالعه‌ی دیگر که Larson و همکاران انجام دادند، ۲۳/۶ درصد نوجوانان پسر بیش از ۳ بار در هفته غذای سریع مصرف می‌کردند (۱۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نتایج این مطالعات متفاوت می‌باشد که این تفاوت در نتایج می‌تواند به دلایلی مثل متفاوت بودن محیط زندگی افراد و نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات باشد. برخی مطالعات، مهم‌ترین دلایل مصرف غذاهای سریع را خوشمزه بودن، دسترسی راحت و

مطالعه‌ی انجام شده توسط Dunn و همکاران نیز میزان پیش‌بینی رفتار توسط قصد رفتاری، ۵۰ درصد بود (۲۲). همچنین در مطالعه‌ی صورت گرفته توسط Wong و همکاران میزان پیش‌بینی‌کنندگی رفتار مصرف‌صباحانه به وسیله‌ی متغیر قصد رفتاری، ۶۴ درصد گزارش گردید (۲۳). همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد اعتقادات رفتاری، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مصرف‌صباحانه است که با نتایج تعدادی از مطالعات، همسو می‌باشد (۲۰، ۹).

با توجه به این‌که ارزشیابی پیامدهای رفتاری، مهم‌ترین سازه‌ی پیش‌بینی‌کننده‌ی قصد رفتاری بوده و اعتقادات رفتاری هم بیشترین پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار می‌باشد و این دو زیرسازه متعلق به سازه‌ی نگرش می‌باشند، نتیجه می‌گیریم که مهم‌ترین سازه در پیش‌بینی رفتار مصرف‌صباحانه سریع، نگرش می‌باشد. مداخلات آموزشی باید بر سازه‌ی نگرش تأکید و تمرکز داشته باشند. به عبارتی، از فعالیت‌های آموزشی متعدد برای ارتقای اعتقادات رفتاری و ارزشیابی پیامدهای رفتاری استفاده شود. اعتقادات رفتاری در واقع اعتقاد فرد در مورد نتیجه‌ی انجام یک رفتار و پیامد حاصل از آن است و ارزشیابی پیامدهای رفتاری، ارزشی است که فرد برای نتیجه‌ی رفتار مورد نظر قایل می‌باشد که با مداخلات آموزشی مناسب، می‌توان این سازه‌های پیش‌بینی‌کننده‌ی اصلی رفتار مصرف‌صباحانه سریع را ارتقا داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه و قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده در زمینه‌ی مصرف‌صباحانه سریع، توصیه می‌شود مداخلات مبتنی بر این نظریه برای اتخاذ رفتارهای تغذیه‌ای سالم در مدارس و ایجاد رفتارهای سالم بهداشتی و نیز پیشگیری و کنترل چاقی طراحی و اجرا شوند. در این مداخلات نیز باید به نقش مهم سازه‌ی نگرش و ابعاد شکل‌دهنده‌ی آن یعنی اعتقادات رفتاری و ارزشیابی پیامدهای رفتار، توجه بیشتری شود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر بر گرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت در دانشکده‌ی بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشد. بدین‌وسیله از کلیه‌ی اساتید گرامی و اعضای محترم گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشکده‌ی بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،

آسان به غذاهای سریع و ارزان بودن آن نسبت به غذاهای رستوران برشمردند (۱۸). بنابراین، دلایل فوق و عواملی از قبیل نداشتن تجربه در آشپزی، تلقی شدن نوعی تفریح و سرگرمی برای آنها و طعم ویژه‌ی آن را می‌توان از دلایل گرایش نوجوانان به مصرف‌صباحانه دانست.

یافته‌های مطالعه‌ی حاضر، بین مصرف‌صباحانه سریع و وضعیت اقتصادی خانواده، رابطه‌ی معنی‌داری نشان داد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان دارای وضعیت اقتصادی مطلوب، نسبت به دانش‌آموزان دارای وضعیت ضعیف، به میزان بیشتری از غذاهای سریع استفاده می‌کردند. مطالعات مشابه نیز این یافته را تأیید کرده‌اند (۱۹، ۹).

در مطالعه‌ی حاضر، بین سازه‌های نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده یعنی نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری درک شده، ارتباط مستقیم معنی‌دار و مثبت و بین دو سازه‌ی نگرش و کنترل رفتاری درک شده با قصد رفتاری، ارتباط منفی به‌دست آمد. به عبارت دیگر، با افزایش نگرش و کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتار نسبت به مصرف‌صباحانه سریع، کاهش می‌یابد. علاوه بر این، بین قصد رفتاری و رفتار مصرف‌صباحانه سریع، ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی کاهش مصرف‌صباحانه سریع با کاهش قصد رفتاری است. این یافته‌ها، با نتایج مطالعه‌ی یارمحمدی و همکاران همخوانی دارد (۹).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان اجزای نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده، ارزشیابی پیامدهای رفتاری، پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی قصد مصرف‌صباحانه سریع در دانش‌آموزان می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچقدر دانش‌آموزان به پیامدهای مصرف‌صباحانه سریع فکر کنند، نسبت به مصرف آنها نیز کمتر اقدام خواهند کرد. میزان پیش‌بینی‌کنندگی قصد رفتاری به توسط ارزشیابی پیامدهای رفتاری به همراه وضعیت اقتصادی، ۴۵ درصد بود. این نتایج با یافته‌های مطالعه‌ی انجام شده توسط دهداری و همکاران همخوانی دارد. در مطالعه‌ی یاد شده نیز ارزشیابی پیامدهای رفتاری، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مصرف میوه و سبزی در دانشجویان بود (۲۰).

یافته‌های مطالعه‌ی وایت و همکاران که روی دریافت غذاهای کم چرب در بیماران دیابتی و قلبی و عروقی انجام شد، نشان داد که نگرش و هنجارهای انتزاعی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های قصد مصرف‌صباحانه کم چرب می‌باشند (۲۱). بر اساس مدل رگرسیون خطی، قصد رفتاری، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی تغییرات رفتاری در دانش‌آموزان بود. در

اجرای این تحقیق داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

اداره‌ی آموزش و پرورش، مدیران، مسؤولان و دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه‌ی شهر خوی که نهایت همکاری را در

REFERENCES

1. World Health Organization (WHO) Consultation FAOE. Diet, nutrition and the prevention of chronic diseases. WHO technical report series 2003: 916. Available from: http://whqlibdoc.who.int/trs/who_trs_916.pdf [Accessed July 28, 2014].
2. World Health Organization (WHO). Fast food, body mass index and market deregulation. Bulletin of the World Health Organization 2014;92:99–107A. Available from: <http://www.who.int/bulletin/volumes/92/2/13-120287/en.pdf> [Accessed December 5, 2014].
3. Popkin BM. Global nutrition dynamics: the world is shifting rapidly toward a diet linked with non communicable diseases. *Am J Clin Nutr* 2006; 84(2):289–98.
4. Ghaffari M, Ebadi L, Ramezankhani A, Souri H. Fast-food consumption behavior and related factors in middle-school students in Tehran. *J Health Systems Res* 2012;8(6):981–90. (Full Text in Persian)
5. Burdette HL, Robert CW. Neighborhood playgrounds, fast food restaurants, and crime: relationships to overweight in low-income preschool children. *Prev Med* 2004;38(1):57–63.
6. World Health Organization (WHO). Globalization, diets and non-communicable diseases (online). By: Chopra M. 2002; Available from: URL: <http://Whqlibdoc.who.int/publications/92415904160pdf>. [Accessed May 20, 2014].
7. New Oxford American Dictionary. 3rd ed. Oxford: Oxford University Press; 2010.
8. Lisa M. Powell, Binh T, Nguyen, Euna Han. Energy intake from restaurants demographics and socioeconomic, 2003–2008. *Am J Prev Med* 2012;43(5):498–504.
9. Yarmohammadi P, Sharifirad GR, Azadbakht L, Morovati Sharifabad MA, Hassanzadeh A. Predictors of fast food consumption among high school students based on the theory of planned behavior. *J Health System Re* 2011;7(4): 449–59. (Full Text in Persian)
10. Rosenheck R. Fast food consumption and increased caloric intake: a systematic review of a trajectory towards weight gain and obesity risk. *Obes Rev* 2008;9(6):535–47.
11. Malik VS, Schulze MB, Hu FB. Intake of sugar-sweetened beverages and weight gain: a systematic review. *Am J Clin Nutr* 2006;84(2):274–88.
12. Gibson S. Sugar-sweetened soft drinks and obesity: a systematic review of the evidence from observational studies and interventions. *Nutr Res Rev* 2008;21(2):134–47.
13. Babbey SH, Jones M, Yu H, Goldstein H. Bubbling over: soda consumption and its link to obesity in California. Los Angeles: UCLA Center for Health policy Research and California Center for public Health Advocacy 2009 Sep; (PB2009–5): 1–8. Available from: URL: www.publichealthadvocacy.org/PDFs/Bubbling_PolicyBrief.pdf. [Accessed May 18, 2014].
14. Sadrzadeh Yeganeh H, Alavi AM, Dorosti Motlagh AR, Mahmoudi M, Jar Elahi N, Chamari M. Relationship between obesity and nutritional behavior among highschool girls in Kerman. *Payesh* 2007;6(3):193–9. (Full Text in Persian)
15. Karimi B, Sadat Hashemi M, Habibian H. Study of the breakfast habits and its relationship with some factors in Semnan (Iran) pupils. *Koomesh* 2008;9(4):285–92. (Full Text in Persian)
16. Alizadeh SH, Keshavarz M, Jafari A, Ramezani H. Effects of nutritional education on knowledge and behaviors of primary students in Torbat-e-Heydariyeh. *J Faculty Med Sci Torbat* 2013;1(1):44–51. (Full Text in Persian)
17. Larson NI, Neumark-Sztainer DR, Story MT, Wall MM, Harnack LJ, Eisenberg ME. Fast food intake: longitudinal trends during the transition to young adulthood and correlates of intake. *J Adolesc Health* 2008;43(1):79–86.
18. Moore LV, Roux AVD, Nettleton JA, Jacobs DR, Franco M. Fast-Food consumption, diet quality, and neighborhood exposure to fast food the multi-ethnic study of atherosclerosis. *Am J Epidemiol* 2009;170(1):29–36.
19. Omidvar N. Psychological factors- Social determinants of food choice and nutritional status of adolescents in high school in Tehran (PhD Thesis). Tabriz, Iran: Tabriz University of Medical Sciences; 2002. (Full Text in Persian)
20. Dehdari T, Kharghani Moghadam M, Mansouri T, Saki A. Survey of daily fruit consumption status among girl students who are living in dormitories and its predictors based on the theory of planned behavior constructs. *Razi J Med Sci* 2013;20(106):10–9. (Full Text in Persian)
21. White KM, Terry DJ, Troup C, Rempel LA, Norman P. Predicting the consumption of foods low in saturated fats among people diagnosed with Type 2 diabetes and cardiovascular disease. The role of planning in the theory of planned behavior. *Appetite* 2010;55:348–54.

22. Dunn KI, Mohr P, Wilson CJ, Wittert GA. Determinants of fast-food consumption. An application of the Theory of Planned Behaviour. *Appetite* 2011;57(2):349–57.
23. Wong CL, Mullan BA. Predicting breakfast consumption: an application of the theory of planned behaviour and the investigation of past behaviour and executive function. *Br J Health Psychol* 2009;14(Pt 3):489–504.

Archive of SID